

(ج)

۱ - ج به (ژ) تبدیل میشود مانند: کاج (بر وزن ماج - افسوس - قفا زدن پس گردنی شیشه صلایه کرده که بر روی سفال پخته بمالند - تارك سر - فرق سر) کاز.

۲ - ج به (ش) بدل میشود مانند: لخچه (بر وزن کفچه - شعله و اخگر و آتش) لخشه - کاجی (بر وزن باجی سفالی که شیشه صلایه کرده بر روی او مالیده و پخته باشند - حلوای روانی که معمولا برای زائو میبرند) کاشی.

(خ)

۱ - به (غ) بدل میشود مانند: ستیخ (بر وزن دریغ - هر چیز بلند و راست مانند ستون و قامت مردم - راستی - بلندی - راست - ایستاده - سرکوه - قلّه کوه - آسمان ستیزندگی و لجاجت) ستیغ.

۲ - به (ه) بدل میشود مانند: حجیر (بکسر اول - خوب - زیبا - خوش صورت بضم اول هم آمده) هجیر.

(د)

به (ت) بدل میشود مانند: دراج (بضم اول) تراج - زردشت - زرشت - تود توت چنانکه در این شعر واژه تود بجای توت بکار رفته است: *توت زرشتی*
جیشی دلیر ساخت از این مردم فقیر آری کنند اطلس و دیباز برك تود
هست اعتبار ملك به آب حسام او چون اعتبار خاك سپاهان بزنده رود
(از ملك الشعراى بهار)

(ر)

به (ل) بدل میشود مانند: سور (بر وزن شور جشن - مهمانی - عروسی ختنه سوران - بزم ایام عید - رنگ خاکستری مایل بسیاهی - اسب و استر و خر و الاغیکه خط سیاهی از کاکل تا دمش کشیده شده باشد - نام مرغی - رنگ سرخ چنانکه گل سرخ را گل سوری و لاله سرخ را لاله سوری گویند - شراب لعلی - نام شهری بوده - طایفه ئی از افغانها - بگردی شور و بانمک) سول.

کاچار (بروزن ناچار، آلات و ادوات و ضروریات و مایحتاج خانه) کاچال
(ز)

۱ - به (ج) بدل میشود مانند: سوز - سوچ - سوزش - سوچش - پوزش - پوچش
آویز - آویج .

۲ - به (ج) بدل میشود مانند: یزشک - یچشک

۳ - (س) بدل میشود مانند: ایاز - ایاس

۴ - به (غ) بدل میشود مانند: گربز - گریغ
(س)

۱ - به (ج) بدل میشود مانند: خروس - خروج

۲ - به (ش) بدل میشود مانند: پالوس (بر وزن سالوس - کافور مغشوش)
پالوش .

۳ - به (ه) بدل میشود مانند: آماس - آماه
(ش)

به (س) بدل میشود مانند: شار (بر وزن مار - پادشاه غرستان - غل و غش
شغال - چادر نازک و رنگین - بیراهن فانوس - جانوری است سیاه رنگ که مانند
طوطی سخن گوید - بنای بلند - عمارت عالی - شاهراه - محل فرو ریختن آب چون
آبشار - ریختن - لبالب چوین - زخمی و سماع ک) سار . شارک (بر وزن ناوک
پرندۀ سیاهی که چون طوطی سخن گوید) سارک
(غ)

بدل به (ک) میشود مانند: لغام - لگام . غرچی (بفتح اول مانند هوچی -
کودال) کوچی

(ف)

بدل به (و) میشود مانند: فام - وام

(ک)

۱ - بدل به (خ) میشود مانند: شاما کچه (سینه بند زنان) شاماخچه .

۲ - بدل به (غ) میشود مانند: کزکار (کار مخصوصی است) غزغاو

(۲۶)